

جای خالی شکل‌های تخصصی در مدیریت شهری



■ سعید اکبریان
رئیس گروه نظارت بر حمل و نقل و ترافیک شهرداری مشهد

امروزه جایگاه مدیریت شهری، شأنی بی‌بدیل و نقشی بی‌نظیر در پیوند امت و حکومت یافته و شورای اسلامی شهر، حلقه وصل تحقق اراده مردم در حاکمیت محلی می‌باشد که با اعمال سیاست‌های صحیح، تصمیمات گزیده و رصد انفعالات شهری می‌تواند رضایتمندی امت و حکومت را فراهم نماید، همان‌گونه که رهبر معظم انقلاب می‌فرماید «از اجرهای که خدای متعال نقداً به انسان می‌دهد، رضایت مردم است.»

فاصله عمیق و ساختاری نخبگان با نیازها و اولویت‌های مردمی

فقدان پایگاه اجتماعی در بین توده مردم و اولویت داشتن مسائل صنفی به مسائل بنیادین نهادهایی مانند نظام مهندسی، جامعه مشاوران، نظام پزشکی و... (همان تلقی مرسوم نظام مهندسی نه نظام مهندسی) دو ضعف مبتلا به جامعه تخصصی است، به عنوان نمونه آیا نظام مهندسی که در هر شهر ۵ هزار نفری نمایندگی دارد، در شهر ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار نفری مشهد، چه تعداد دفتر دارد و از همه مهم‌تر چه سازوکاری برای بهبود ساخت‌وسازهای مردمی تدارک دیده‌اند و کدام حرکت خودجوش و مطالبه‌گرانه را از مدیران دولتی و شهری داشته‌اند و یا اینکه بیشتر خود در معرض پاسخگویی هستند؟ چه کسی باید شناسنامه فنی و ملکی ساختمان و بیمه تضمین کیفیت ساختمان که از حقوق مسلم شهروندان است را مطالبه کند؟ کدام تربیون و نهاد و رسانه، نظام ساخت‌وساز شهری را برای مردم و مسئولان به مسأله شهری تبدیل کرده است؟ و چه راهکاری برای حل آن به اجرا رسانده‌اند؟ امروزه در بسیاری از محافل علمی دنیا، اعتبار یک پژوهشگر و متخصص به این است که چه پروژهای را در یک محله و منطقه کنکاش نموده و چه مسأله‌ای را برطرف نموده نه اینکه چقدر مقاله ISI فرستاده است.

عدم دست‌یابی و عدم تمایل شهروندان به ارتباط با متخصصان

نداستن ضوابط و مقررات و نیز اهداف انتفاعی و شخصی برخی شهروندان و عدم احساس مسئولیت اجتماعی در نگهداشت و توسعه شهر و از همه مهم‌تر بروکراسی پیچیده اداری باعث گردیده بسیاری از مردم نسبت به مدیران و متخصصان بی‌اعتماد باشند و هر کس صلاح کار خود کند، علاوه بر این اگر شهروند مسئولیت‌پذیری بخواهد، چاره کار کند، چه سازوکاری برای انتقال مسائل به متخصصان وجود دارد، به‌مانند بیماری که دردش را باید به پزشک حاذق بگوید.

درست است که کمیته‌های نظارتی و حضور مستمر اعضای شورای اسلامی شهر، بهترین سازوکار ارتباط با مردم است و خود اعضا نیز صاحب‌تجربه و تخصص‌اند اما در بسیاری از کشورها، اعتبار پارلمان محلی به اجتماعی بودنش است نه الزاماً تخصصی بودنش، لیکن حلقه مفقوده‌ای در این بین رخ می‌نماید. حلقه مفقوده‌ای به نام «تشکل‌های تخصصی» که بازوی شورای اسلامی شهر و امین شهروندان باشند، این تشکل‌ها دارای چهار شاخص می‌باشند: وجود پایگاه اجتماعی و برقراری ارتباط مستقیم با شهروندان، توان تشخیص مسائل و قدرت فکری و اجرایی حل مسائل، دارای روحیه و سازوکار مطالبه‌گری از مسئولین، حساس به رشد و ارتقاء دانش و آگاهی شهروندان نسبت به حقوق و تکالیف شهروندی. ما بر این باوریم اعتماد اعضای محترم شورای اسلامی شهر به تشکل‌های تخصصی، موجب کاهش انحراف معیار تصمیمات مدیران شهری و کاهش زاویه نگاه شهروندان خواهد شد. برای تحقق این مهم پیشنهاداتی ارائه می‌گردد:

برگزاری نشست‌های موضوعی در سطح شهر با رویکرد مسأله‌شناسی با حضور مدیران و متخصصان، پیگیری و مطالبه علمی مسائل استراتژیک شهر مشهد مانند حاشیه‌نشینی، ترافیک، توس تاریخی، بافت فرسوده، معماری اسلامی، ارتفاعات جنوب، کشف رود و... برگزاری دوره‌های توانمندسازی علمی و مهارتی متخصصین جوان، عضویت حقوقی نمایندگان تشکل‌های تخصصی در کارگروه‌ها و در صورت امکان کمیسیون‌ها (مانند عضویت نظام مهندسی در کمیسیون ماده پنج).

عضویت نمایندگان تشکل‌های تخصصی در شوراهای اجتماعی محلات (به عنوان نماینده تشکل‌ها)، استقرار دفاتر خدمات فنی و مهندسی در محلات کم‌برخوردار با استفاده از ظرفیت مهندسان جوان و پشتیبانی مالی شهرداری جهت ارائه خدمات مناسب و ارزان به شهروندان. ■■

تعدادش به تعداد انگشتان دودست نرسید، هر چند که از جاهای دیگر موفق‌تر بودیم ولی باز هم نتوانستیم کاری انجام دهیم اما در فروش اوراق مشارکت موفق بودیم.

اوراق مشارکت بیشتر برای مسائل عمرانی است اما آیا غیر از این مورد هم می‌توان برای سایر عرصه‌های اوراق مشارکت منتشر کنیم، به عنوان نمونه برای بهره‌برداری از یک مجتمع تجاری و رفاهی؟

انتشار اوراق مشارکت در کشور ما بر اساس قانون مصوبه ۱۳۷۶ مجلس شورای اسلامی است، در آنجا تصریح می‌شود که اوراق مشارکت برای پروژه است و تصریح می‌کند که پروژه باید سودآور باشد و در متن اجرایی که توسط هیئت دولت تنظیم شده منظور از سود، انتفاع مستقیم مالی است که ناشی از فروش محصولات باشد که در پروژه تولید شده است. هر چند بعداً دولت بیش از هر کس دیگری به آیین‌نامه اجرایی که تصویب کرده بود، پشت پا زد و برای بسیاری از پروژه‌هایی که سود مستقیم در آن وجود نداشت، اوراق مشارکت منتشر کرد ولی قانون مجلس و آیین‌نامه اجرایی دولت تصریح می‌کند که اوراق برای چنین پروژه‌هایی باید منتشر شود، بنابراین فعلاً چیزی به نام اوراق مشارکت برای بهره‌برداری نداریم اگر بعدها چنین ضرورتی وجود داشت باید قانون آن اصلاح شود. ما در دنیا اصطلاح توسعه‌گر را داریم، در دنیا هم مدیریت‌های شهری و هم بخش خصوصی نقش توسعه‌گر را ایجاد می‌کنند و به این معناست که توسعه‌گر یک پروژه سودآور تعریف کرده و بررسی‌های حقوقی برای اخذ مجوز را انجام می‌دهد ولی منابع برای انجام آن ندارد، بنابراین در اینجا باید تأمین مالی صورت بگیرد، تأمین مالی‌های مردم محور فقط اوراق مشارکت نیست؛ ما در کشورمان برای زمین و مسکن قانون داریم که یک پروژه می‌تواند یک صندوق ایجاد کند و مردم را از محصول و منافع پروژه سهیم کند، مدل دیگر سهامدار پروژه است در این مدل فرد به جای اینکه سهام یک شرکت را بخرد، سهام یک پروژه را می‌خرد و مقررات آن هم در کشورمان وجود دارد، این مسئله با اوراق مشارکت هم کمی تفاوت دارد و نوع انتفاع افراد و تعهدات طرفین هم باهم متفاوت است. در اوراق مشارکت ناشر باید هر سه ماه یک‌بار به دارنده اوراق مشارکت و شریک خود سود بدهد در حالی که در سهامدار پروژه در بازه زمانی سه ماه سود نمی‌دهد بلکه سهم آن فرد در اثر حضور در آن پروژه رشد می‌کند و وقتی خواست بفروشد توسعه‌گر آن را تضمین می‌کند یا برایش بازار ثانوی ایجاد می‌کند؛ بنابراین در این حوزه در کشور ما طی سال‌های گذشته مقررات و قوانین آن ایجاد شده، فقط خوب از آن استفاده نشده است، غیر از طرح بزرگ میدان شهدا هیچ‌کس از اوراق مشارکت استفاده نمی‌کرد بعد از ماتریز و اصفهان و قم هم این کار را انجام دادند در حالی که این اوراق برای شهرها طراحی شده است، سهامدار پروژه و صندوق زمین و مسکن و فروش متری راه‌هایی است که می‌توان سرمایه‌های خرد را وارد پروژه‌های کلان کرد. ■■